

معرفی و نقد دائرة المعارف قرآن لیدن*

ویراستار: جین دمن مک اولیف**

ترجمه و نقد: محمدجواد اسکندرلو***

قرآن، بیانگر سخنان پروردگار برای بیش از یک میلیارد مسلمان جهان است. شنیدن آیاتش با صوتی گوش‌نواز، دیدن کلماتش به صورت درشت بر سر در مساجد و دیگر اماکن عمومی و لمس متن آن، احساس حضور مقدسی را در اذهان و دل‌های مسلمانان پدید می‌آورد. قرن‌ها است که کودکان تحصیلات رسمی خود را با قرآن آغاز کرده‌اند. در فرهنگ دینی که تعلّم را می‌ستاید، افرادی که دانستنی‌های والا و گسترده‌ای از قرآن فرا می‌گیرند، مورد احترام و تحسین فراوان واقع می‌شوند. چنین تکریم و تحسینی، بیش‌تر مسلمانان را وادار می‌دارد تا به گونه‌های مختلف در زمینه قرآن فعالیت کنند. یک نمونه از این فعالیت‌ها در قالب پژوهش، جستار و کاوش عالمانه به انگیزه ارائه خدمتی علمی و فرهنگی به جهان بشر، نمودار شده است.

در عین حال که پژوهش درباره متنی که میلیون‌ها انسان آن را تقدیس می‌کنند، کار حسّاسی است، برخی از مسلمانان بر این باورند که غیر مسلمان، حتی نمی‌تواند قرآن را لمس کند تا چه رسد به مطالعه و تبیین و تفسیر آن. با وجود آن‌که افرادی ترجیح می‌دهند به پژوهش غیر مسلمان درباره قرآن بی‌اعتنا باشند، افراد فراوانی هستند که از آثار دانشمندان غیر مسلمان در این زمینه استقبال می‌کنند.

پاره‌ای از تلاش‌های در خور تحسین در این زمینه از سوی مؤسسه‌های فرهنگی معروف در سطح جهان ارائه شده است؛ به طور نمونه می‌توان مؤسسه «بریل» شهر لیدن هلند را نام برد. این مؤسسه در عرصه‌های گوناگونی چون علوم اسلامی، ادبیات عرب و ادبیات فارسی، گام‌های استوار و ثمر بخشی برداشته، و در زمینه علوم قرآنی، ارزنده‌ترین اقدام اخیر آن، دائرة المعارف قرآن بوده است.

* Encyclopaedia of the Quran. General Editor Brill. Leiden - Boston, 2002.

** Jane Dammen McAuliffe.

*** عضو حلقه کارشناسی قرآن‌شناخت دانشنامه قرآنی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

تاریخ دریافت: ۸۲/۴/۸ تاریخ تأیید: ۸۲/۶/۳

این اثر گرانمایه، در قالب پنج جلد و حدود هزار مدخل طراحي شده که البته تا کنون فقط دو جلد آن انتشار یافته و درباره سه جلد دیگر، وعده انتشار تا سال ۲۰۰۵ داده شده است. سر ویراستار این اثر مهم، خانم جین دمن مک اولیف (Jane Dammen Mcauliffe) استاد تاریخ و ادبیات عرب دانشگاه جرج تاون امریکا (واشنگتن دی. سی.) است. اعضای اصلی انجمن ویراستاران آن عبارتند از کلود جیلیوت (Claude Gilliot) از دانشگاه آیکس - ان - پراونس، ویلیام گراهام (William A. Graham) از دانشگاه هاروارد، ودد کدی (Wadad Kadi) از دانشگاه شیکاگو، آندرو ریپین (Andrew Rippin) از دانشگاه ویکتوریا.

ویراستاران فرعی، مونیک برناردز (Monique Bernards) و ولیج مین (Vlijmen) از هلند، و جان نواس (John Nawas) از دانشگاه کاتولیک لیون هستند.

مشاوران: نصر حامد ابو زید (Nasr Hamid Abu - Zayd) از دانشگاه لیدن، محمد آرکون (Mohammed Arkoun) از دانشگاه سرن، جرهارد بوورینگ (Gerhard Bowering) از دانشگاه یال، جرالد هاوتینگ (Gerald R. Hawting) از دانشگاه لندن، فردریک لیم هیوس (Frederik Leemhuis) از دانشگاه گرونی جن، انجلی کانیوروت (Angelika Neuwirth) از دانشگاه آزاد برلین، و یوری رابین (Uri Rubin) از دانشگاه تلاویو.

جای بسی شگفتی است که در این دائرة المعارف، هیچ نشانی از قرآن پژوهان ایرانی مشاهده نمی شود و در فهرست منابع که در آغاز کتاب و تحت عنوان «SHORT TITLES» مشتمل بر ۱۵ صفحه آورده، به تفاسیر شیعی و آثار پژوهشگران ایرانی، کم تر توجه کرده است.

از مجموع مدخل های جلد اول (۳۲۵ مدخل)، ۱۵۴ مورد آن، ارجاعی و ۱۷۱ مدخل اصلی است و از مجموع مدخل های جلد دوم (۲۶۳ عدد)، ۱۵۴ مدخل آن اصلی، و ۱۰۹ مورد دیگر ارجاعی است. به لحاظ موضوعی، این میراث غنی علمی، مقالاتی را به ترتیب الفبایی درباره محتویات قرآن به صورت مقالاتی گسترده در زمینه مهم ترین موضوعات بر اساس ساختار مطالعات قرآنی تنظیم کرده است.

این اثر، افزون بر آن که نوعی دیکشنری بسیار گسترده درباره اصطلاحات، مفاهیم، شخصیت ها، اسامی مکان ها و تاریخ فرهنگ قرآنی است، همچنین تفسیر مختصری از مطالعه تخصصی قرآن در آغاز قرن بیست و یکم به شمار می آید که به زبان اروپایی منتشر می شود. دائرة المعارف قرآن، واژگان مدخل ها را به زبان انگلیسی به کار می برد تا آن که فهم آن برای مطالعه کنندگان متون مقدس، تاریخ قرون وسطایی، ادبیات تطبیقی و علوم اجتماعی و حتی برای متخصصان عربی و مطالعات اسلامی روشن تر باشد.

خانم مک اولیف در مقدمه خود بر دائرة المعارف قرآن، در این باره چنین اظهار نظر کرده است:

دانشمندان انگلیسی زبان، در زمینه‌هایی غیر از پژوهش‌های اسلامی کار می‌کنند. هنگامی که برای اهداف پژوهشی خود یا به منظور معرفی آن به دانشجویانشان می‌کوشند چیزی درباره قرآن فراگیرند، هیچ خدمتی به آن‌ها نمی‌توان ارائه داد: از این رو، من و همکارانم تصمیم گرفتیم از مدخل‌ها به زبان انگلیسی استفاده کنیم. همکاران ما که در زمینه پژوهش‌های اسلامی فعالیت دارند، درک خواهند کرد که این تصمیم نه آسان بود و نه دور از بحث و جنجال. دشواری معادل‌یابی انگلیسی برای مفاهیمی قرآنی که مشترک بین نماز و ذکر و دعا هستند و نیز دشواری دستیابی به منابع دست اول از بارزترین مشکلات این کار بوده است. تقریباً تمام مقالات این دائرة المعارف به گونه مستقیم یا غیر مستقیم، مجموعه‌ای قرآنی را ترسیم می‌کند. با این وصف، محدودیت پروژه اقتضا می‌کرد که محور اصلی، خود قرآن باشد؛ از این رو، خوانندگان این دانشنامه قرآنی، مبحث مستقلی را درباره طبری یا فخرالدین رازی نمی‌یابند؛ اما ارجاع‌های متعددی را به آثار این مفسران خواهند یافت. ضمن این که فهرست موضوعی متراکم دائرة المعارف قرآن، این امکان را برای استفاده کنندگان فراهم می‌آورد که در تمام مجلدات، این مراجع را جست‌وجو و دنبال کنند. همچنین نمایه عمومی دائرة المعارف با عنوان «Cumulative index» در جلد پنجم ارائه خواهد شد. از طریق این نمایه می‌توان به موضوعاتی که خود، مدخلی مستقل ندارند، ولی ذیل سایر مدخل‌ها از آن‌ها بحث شده است، دست یافت.

از آن جا که هدف از ارائه این اثر، ارتقای فهم و برداشت خوب از قرآن بوده، از تمام نویسندگان درخواست شده است تا کتابنامه مخصوص برای مقالاتشان تهیه کنند تا خوانندگان، این مقالات را به صورت مدخل‌های مفید و راه‌گشا در جهت پژوهش بیش‌تر موضوع معین بیابند. ذکر منابع اصلی و منابع فرعی در کتابنامه (Bibliography) هر مدخل، بدین منظور بود که دانشمندان و پژوهشگران را با پژوهش‌های جزئی‌تری که در هر موضوع انجام گرفته، آشنا سازد و در زمینه پژوهش‌های اسلامی، اطلاعات گسترده و بیش‌تری را در اختیار آنان قرار دهد.

مستندهای قرآنی به وسیله شماره سوره که به دنبال آن، شماره آیه می‌آید، ارائه شده است؛ مانند ۴۶: ۳۰ که به آیه ۴۶ سوره روم اشاره دارد. این نوع آدرس‌دهی، کار را برای کسانی که با نام سوره‌ها ناآشنایند، آسان‌تر می‌سازد. شماره‌گذاری آیه از استاندارد ۱۹۲۴ چاپ قاهره پیروی می‌کند. بیش‌تر تفاسیر انگلیسی قرآن از این شماره‌گذاری پیروی می‌کنند. فقط ترجمه ا. جی. آربری است که از شماره‌گذاری گستاو فلاگ چاپ ۱۸۳۴ الگو گرفته است. گرچه تلاش بسیاری انجام گرفته تا درستی نقل قول قرآنی در مقالات دائرة المعارف قرآن تضمین شود، شیوه‌نامه نگارشی پروژه، هیچ ترجمه معینی را الزام نکرده؛ بلکه نویسندگان مختار بودند تا از ترجمه‌های موجود استفاده کنند یا آن که ترجمه‌های خود را از عبارت‌های نقل شده در مدخل‌هایشان بنویسند. همچنین هیچ تضمینی در جهت هماهنگی کامل مرجع با منابع اولیه در عربی کلاسیک، مانند مجموعه‌های حدیث یا تفاسیر قرآن

وجود نداشت؛ البته شیوه‌نامه نگارشی دائرة المعارف قرآن، از چاپ‌های مهم‌تر اغلب چنین آثاری، فهرست تهیه کرده؛ اما این آثار همیشه در کتابخانه دانشگاه یا کتابخانه شخصی افراد موجود نبود. به رغم آن که امکان استاندارد کردن تمام مراجع این چنینی وجود داشت، زمان مورد نیاز برای این کار باعث تا که انتشار دائرة المعارف قرآن، تا مدتی طولانی به تعویق بیفتد. مایلیم تأکید کنم که دائرة المعارف قرآن، تلاشی آغازین است. از همان ابتدای کار، ویراستاران آن می‌دانستند که هرگز نمی‌توانند برای نخستین چاپ آن ادعای جامعیت کنند. خوانندگان و نقّادان گوناگون، مطالب و نظریات متعددی را برای پیشنهاد دادن خواهند داشت که مورد استقبال ناشر و مسؤولان دائرة المعارف قرار خواهد گرفت. خانم مک اولیف درباره اهداف نگارش این دائرة المعارف و آغاز کار می‌نویسد:

برنامه‌ریزی برای دائرة المعارف قرآن (EQ) در سال ۱۹۹۳ هنگامی آغاز شد که در لیدن با یک ویراستار بسیار عالی به نام پری بیرمن ملاقات کردم تا امکان شروع چنین پروژه‌ای را بررسی کنیم. خیلی زود چهار دانشمند درجه یک یعنی ودد کدی، کندگیلیوت، ویلیام گراهام و آندروور بیین موافقت خود را جهت پیوستن به هیأت تحریریه اعلام کردند.

هدف این بود که اثر مرجعی را به صورت بهترین توفیق قرن در باب پژوهش‌های قرآنی ارائه دهیم و نیز می‌خواستیم این دائرة المعارف، زمینه تحقیق گسترده‌تری درباره قرآن در دهه‌های آتی را فراهم آورد. آرزوی مهم‌تر، در دسترس قرار دادن گنجینه گسترده پژوهش‌های قرآنی برای طبقه عالمان متخصص و نیز فرهیختگان بود؛ البته می‌توان گفت: مخاطبان این دائرة المعارف، خوانندگان عمومی اعم از مسلمان و غیر مسلمان هستند. در هر صورت، تهیه آن به صورت نخستین مرجع در باره قرآن به زبان اروپایی، برای همه کتابخانه‌های عمومی و تخصصی، لازم و ضرور است.

در این جا مناسب است به منظور آگاه ساختن خوانندگان از محتوای این دائرة المعارف به معرفی مطالب پاره‌ای از مدخل‌های برون قرآنی و نیز درون قرآنی هر دو جلد مذکور بپردازیم.

جمع قرآن (The Collection of the Quran): نویسنده: جان برثن، ج ۱، ص ۳۵۱ - ۳۶۱.

سرفصل‌ها: احکام فقهی و مصحف عثمانی، مصاحف صحابه؛

تدوین مصحف، مصحف عثمانی؛

اسناد مصحف صحابه؛

قلمرو مصاحف و بررسی نهایی متن قرآن.

نویسنده، درباره میزان حجم قرآن مدوّن می‌نویسد:

اعتقاد برجسته‌ترین مفسران و عالمان معتبر این بوده که تمام قرآن، هرگز مدوّن نشد. (الف) این دیدگاه به وسیله عالمان غربی به پیروی از تاریخ قرآن نولدکه منعکس شده است. از این دیدگاه، آن چه ذکرش اهمیت دارد، این است که هرگاه قرآن از «کتاب الله» سخن به میان آورده است، مقصودش محتوای کلی

است، نه آن چه به صورت عینی در خارج مطرح شده است. پس از رحلت پیامبر، جنگ‌های داخلی رخ داد و زهری نقل می‌کند که تعدادی از حافظان قرآن کشته شدند و بسیاری از آیاتی که آن‌ها حفظ داشتند، به صورت مکتوب در نیامده بود و جانشینان پیامبر هم هنوز متن قرآن را جمع‌آوری نکرده بودند؛ در نتیجه، آن گونه آیات به طور کلی مفقود شد و این واقعه مسلمانان را بر انگیخت تا در زمان ابوبکر به این مهم همت گمارند؛ بنابراین، قرآن را روی صحیفه‌ها یا اوراقی گردآوردند از ترس آن که مبادا دیگر حافظانی که بیش‌تر قرآن را در ذهن داشتند آن را با خود به گور ببرند. بر اساس گزارشی دیگر، عمر به جمع قرآن دستور داد (جفری، اسناد، ص ۱۰ و برثن، جمع، ص ۱۲۰).

تحریف (Forgery): نویسنده: جوردن دارنل نیوبای. منبع: ج ۲، ص ۴ - ۲۴۲.

بازنویسی کتاب مقدس، اعم از قرآن یا متون مقدس یهود و نصارا تحت دو عنوان تحریف و تبدیل مطرح شده، و بیانگر اتهامی درباره یهودیان و مسیحیان است که کتاب آسمانی پیش از قرآن را تغییر دادند. در امت اسلام نیز گروه‌های گوناگونی متهم شده‌اند به این که می‌گویند: قرآن دچار افزوده‌ها یا کاهش‌هایی شده است. سنی‌ها و شیعیان، هر یک دیگری را به نوعی تحریف متهم کرده‌اند؛ یعنی اعتقاد به جایگزینی یا حذف قسمت‌هایی از قرآن یا اشتغال بر دو سوره کامل که در مصحف ابی بن کعب وجود داشته است. تمام کوشش که در متهم ساختن شیعه به فراهم آوردن قرآنی دیگر انجام گرفته، با شکست مواجه شده است و هر دو فرقه (شیعی و سنی) در تمام مراسم و اهداف دینی خود، از قرآنی واحد استفاده می‌کنند.

تقلید ناپذیری یا اعجاز قرآن (Inimitability): نویسنده: ریچارد سی. مارتین. منبع: ج ۲، ص

۳۵ - ۵۲۶.

سرفصل‌ها: کلیات، قرآن و متن اسلامی در آغاز نزول، وضعیت فکری بحث و گفت‌وگو درباره قرآن در صدر اسلام و قرون وسطا، نظریات سنتی در زمینه اعجاز قرآن.
 اهم مطالب: چند آیه در قرآن، مواردی را مطرح می‌کند که محمد ﷺ از سوی خدا مأموریت یافته که با مخالفانش میان عرب‌ها تحدی کند که سوره‌هایی نظیر قرآن بیاورند. در قرآن هیچ آیه‌ای یافت نمی‌شود مبنی بر این که افرادی توانسته باشند به این تحدی پاسخ مثبت دهند.
 آیات تحدی که به تدریج نازل شد، ادله قانع کننده‌ای برای اثبات معجزه بودن قرآن به شمار می‌آید. مهم‌ترین ادله در کتاب‌های اعتقادی در مقام دفاع از اعجاز قرآن، ادله‌ای است که از منازعات متفکران مسلمان سرچشمه گرفته است؛ هر چند که پاره‌ای از این نظریات، بر چسب الحاد به خود گرفت؛ برای مثال، معتقدان به مخلوق بودن قرآن را ملحد خواندند، و اختلاف‌هایی میان معتزله و اشاعره در گرفت.

ابو الهذیل بر این باور بود که قرآن، تقلیدناپذیر است؛ در حالی که شاگرد و معاصر وی، ابوسعحاق نظام اعلام کرد: قرآن، فی نفسه معجزه نیست؛ بلکه جریان «صرفه» باعث شده که کسی نتواند مثل آن را ارائه دهد.

واژگان دخیل (Foreign Vocabulary): نویسنده: آندرو ریپین، منبع: ج ۲، ص ۳۶ - ۲۲۶.

سرفصل‌ها: نظریه واژگان دخیل در قرآن، تألیفات اسلامی درباره واژگان دخیل در قرآن، دریافت تفسیری از زبان‌های خارجی، واژگان دخیل و قرآن در پژوهش جدید.

اهم مطالب: میان صاحب‌نظران مسلمان سلف، افراد بسیاری یافت می‌شوند که هیچ تردیدی درباره وجود واژگان دخیل در قرآن به خود راه نداده‌اند؛ برای مثال، طبری از ابومیسره نقل کرده که از هر زبانی در قرآن، واژگانی به کار رفته است. عواملی که دیگر مفسران را نیز به وجود واژگان دخیل در قرآن راهنمایی کرده، عبارتند از:

۱. پی بردن به تعدادی از واژگان فارسی در قرآن که پژوهش معاصر از طریق قرابت زبان‌های سامی به یک‌دیگر آن‌ها را کشف کرده است.

۲. از طریق دقت در نوع ریشه کلمات، مثلاً ریشه عربی واژه «دین» نمی‌تواند هم به معنای «شریعت» و هم به معنای «روز جزا» باشد. نمونه دیگری که مورد توجه زمخشری و بیضاوی نیز قرار گرفته، واژه «صلوات» است که در آیه ۴۰ سوره حج به معنای محلّ عبادت به کار رفته، و روشن شده که از ریشه «صلوتی» گرفته شده.

۳. پیدایش مطالعات و بررسی‌های ادبی، عربی نبودن برخی از واژگان به کار رفته در قرآن را به لحاظ ساختار و نیز ویژگی‌های صوتی اثبات کرده؛ از قبیل «استبرق» که در فارسی به معنای ابریشم است.

در عین حال، از ابو عبیده (م. ۲۰۸ ق) نقل شده است:

هر کس مدعی شود که هر نوع زبان دیگری جز عربی در قرآن به کار رفته، اتهام بزرگی به خدا زده است (ابو عبیده، مجاز، ج اول، ص ۱۷ و ۱۸).

از سوی دیگر، نویسندگان معاصر، اعم از عالمانی چون محمد شاکر (ویراستار کتاب جوالیقی) و کسانی که از طریق اینترنت به مباحث جنجال برانگیز می‌پردازند، به دیدگاه پیشینیان گرایش یافته‌اند مبنی بر این که واژگان غیر عربی هرگز در قرآن به کار نرفته است.

برخی از واژگانی که در فهرست واژگان دخیل به وسیله عالمان مسلمان ذکر شده‌اند در واقع، عربی به شمار می‌آیند؛ اما همان گونه که آرتور جفری گفته است:

اعلام کردن یک واژه در زمره واژگان دخیل، زمینه تفسیری گسترده‌ای را به صورت احتمال وجوه و

معانی گوناگون، بیش تر فراهم می‌آورد تا آن‌که بخواهند آن را عربی بدانند.

تفسیر قرآن در دوره باستان (Exegesis of the Quran: Classical and Medieval): نویسنده:

کلود جیلیوت. منبع: ج ۲، ص ۹۹ - ۱۲۱.

سرفصل‌ها: ریشه‌یابی و مفهوم واژگان عربی تفسیر، تأویل و اصطلاحات مربوطه، مشروعیت و اعتبار تفاسیر قرآنی، آغاز تفسیر قرآن، عصر تدوین، تفاسیر ادبی و زبان شناختی، مجموعه آثار تفسیری اهل سنت مبتنی بر روایات، تفاسیر فقهی خاص، تفاسیر کلامی، تفاسیر خوارج و شیعیان، تفاسیر عرفانی، نتیجه‌گیری.

اهم مطالب: ریشه «تفسیر»، آرامی یا سریانی یا مربوط به نصاری فلسطین است. (ب)

دسته‌بندی قرآن در سطوح گوناگون «وجوه»، «حلال»، «حرام»، و «تأویل» از مباحث یهود درباره سطوح معنایی کتاب مقدس‌شان ناشی است. اختلاف بین تعریف دو اصطلاح «تفسیر» و «تأویل» نیز از گفت‌وگوهای بین یهودیان و مسیحیان درباره معانی چهارگانه کتاب مقدس است.

قرآن آشکارا در هیچ آیه‌ای بیان نکرده که باید تفسیر شود. (ج)

روایات اسرائیلی در منابع اهل سنت و حتی در کتب اربعه شیعه یافت می‌شود. (د)

چند تن از مفسران شیعی مثل ابو جعفر طوسی و ابو علی طبرسی نیز معتزلی بوده‌اند. (ه)

تفاوت بین «تفسیر» و «تأویل» نمایانگر اختلافی است که بین تفاسیر روایی صحابه پیامبر و

تفاسیر تحلیلی وجود داشته؛ چنان‌که ماتریدی در تفسیر قرآنش اظهار داشته است:

تفسیر، به صحابه تعلق دارد؛ در حالی که تأویل به فقیهان مربوط می‌شود؛ چرا که صحابه از نزدیک

شاهد وقایع بودند و تمام ویژگی‌های وحی قرآنی را به خوبی می‌دانستند (تأویلات ماتریدی، ج ۵).

این حقیقت که اکثر افراد از مفسران تابعین در مکه وفات یافته‌اند، بر میزان صحت این نظریه

می‌افزاید که مطالب تفسیری از پیامبر به بزرگ‌ترین صحابه و تابعین نقل شده است.

یکی از ادله و انس بروگ برای رد اعتبار تفاسیر قدیم، استناد به شعر بوده است؛ در حالی که

«شعر» به صورت یکی از ابزارهای تفسیر در تفاسیر مقاتل بن سلیمان، کلبی و سفیان ثوری کوفی (م،

۱۶۱ ق) مشاهده نمی‌شود و ذکر شواهد شعری به منظور تفسیر قرآن، پیش از این زمان مثلاً در

تفاسیر ابو عبیده (م، ۲۱۰ ق) و فزّاء (م، ۲۰۷ ق) و کتاب العین خلیل بن احمد و لیث بن مظفر (م،

حدود سال ۲۰۰ ق) به چشم می‌خورد.

نقل قول‌های شعری در کتاب مجاز القرآن ابو عبیده و کتاب العین اثبات می‌کند که آغاز پیدایش

تفسیر باید به اوایل قرن دوم و شاماید زودتر از آن برگردد؛ البته این بدان معنا نیست که اظهار نظر

برخی از عالمان مسلمان درباره صحت و اعتبار تفاسیر قرآن به طور کامل مورد قبول باشد؛ برای

مثال، تفسیر منسوب به ابن عباس مورد تردید است و نیز انتساب کتاب تئویر المقباس ابن عباس به فیروزآبادی (م. ۸۱۷) درست نیست؛ در نتیجه، به منظور تبیین کامل تر مسائل و ابهام‌ها درباره آغاز و پیدایش کار تفسیر قرآن، نیاز به کاوش و تحقیقات بیش تری از جمله درباره آثار دست نویس، ضرور به نظر می‌رسد.

تفسیر قرآن در دوره جدید (Exegesis of the Quran: Early Modern and contemporary): نویسنده: راترود ویلانت. منبع: ج ۲، ص ۱۲۴ - ۱۴۰.

سرفصل‌ها: ابعاد و محدودیت‌های مربوط به تفسیر قرآن در عصر جدید، انواع نشر تفاسیر قرآنی و شیوه‌های تفسیری، گرایش‌های اصلی به شیوه‌های تفسیری و مدافعان آن‌ها، تفسیر عقلی، تفسیر علمی، تفسیر ادبی، تفسیر تاریخی، جست‌وجوی رهیافتی مستقیم به مفاهیم قرآنی، برداشت‌هایی مربوط به تفسیر موضوعی قرآن، مشکلات مقبولیت رویکردهای جدید تفسیر قرآن، کتاب‌شناسی. اهم مطالب: این مقاله به بررسی تلاش‌های عالمان مسلمان در زمینه تفسیر قرآن و نیز دیدگاه‌های آن درباره روش‌شناسی تفسیر از نیمه قرن نوزدهم تاکنون می‌پردازد. بیش تر مؤلفان چنین تفاسیری، از منابع سنتی مانند آثار زمخشری، فخرالدین رازی و ابن کثیر بهره گرفته‌اند بی آن که لزوماً مطلبی اساسی به آن تفاسیر بیفزایند. هدف ما در این مقاله، معرفی تفاسیری با رویکردهای جدید و گرایش‌های ابداعی به ویژه در مصر است.

محتوای این تفاسیر، نوعاً در مقام پاسخ به پرسش‌های جدیدی شکل گرفته که ناشی از تحولات فرهنگی، اجتماعی و سیاسی پدید آمده در جوامع اسلامی و متأثر از تمدن غرب مطرح شدند. نتیجه عملی منهج تفسیر عقلی در پاره‌ای از موارد، به انکار معجزات یا توجیه عقلی امور خارق‌العاده انجامید.

جست‌وجوی رهیافتی مستقیم به مفاهیم قرآنی: تمام شیوه‌های تفسیری، حتی شیوه علمی، این نقیصه را دارند که با حالت گسستگی از درک و نوع اعتقاد مسلمانان عصر نزول، به تفسیر قرآن می‌پردازند؛ در حالی که روش صحیح آن است که مفسر، اوضاع نابسامان جامعه آن روز را در نظر بگیرد و ببیند قرآن برای اصلاح آن، چه راه حلی را ارائه داده است؛ آن‌گاه همان واکنش‌های قرآنی را با انطباق بر اوضاع و نابسامانی‌های جامعه کنونی اعمال کند. چنین شیوه‌ای را می‌توان در تفسیر سید قطب، فی ظلال القرآن، و در تفسیر مودودی، تفهیم القرآن، و تفسیر سعید حوّا، الاساس فی التفسیر مشاهده کرد.

[حضور] قرآن در زندگی روزمره (Everyday life, Quran In): نویسنده: نصر حامد ابو زید. منبع: ج ۲، ص ۹۷ - ۸۰.

سرفصل‌ها: مقدمه، شکل‌گیری زندگی روزمره، تلاوت، زبان روزمره، ارائه هنرمندانه، خوش‌نویسی و مهارت‌ها، نتیجه.

اهم مطالب: زندگی روزمره، یعنی فعالیت متداول افراد معمول که در جامعه اهمیت و شهرت ندارند.

نخستین دستوری که در جریان وحی قرآنی به پیامبر صادر شد، فرمان «اقراء باسم ربک الذی خلق» بود. بدین ترتیب، تلاوت قرآن، محور تمام نمازها و دعاها شد. دستور دیگر قرآنی که جزو اعمال زندگی مردم قرار گرفت، حکم روزه بود. دستور دیگر، اعتکاف در مساجد بود. یکی دیگر از دستورهای مهم، حج خانه خدا است که از زمان ابراهیم ادامه داشته است.

در نگاه کلی می‌توان گفت که قرآن، نه تنها اساس اعتقاد و دین است، بلکه همچنین پایه تمدن شمرده می‌شود. زبان قرآن، در تسخیر تصورات مسلمانان و عرب‌ها از لحظه نزولش تقریباً در هر حوزه معرفتی اعم از کلام، فلسفه، عرفان، زبان‌شناسی، ادبیات، نقد ادبی و هنر تجسمی، تأثیر بسزایی گذاشته است. قرآن در شکل‌گیری زندگی روزمره مسلمانان در تمام ابعاد مادی و معنوی حضور و جایگاه داشته است و گسترش اسلام در مدتی کوتاه توانست قرآن را در محیط‌های گوناگون مطرح سازد.

آثار انتقادی جدید و قرآن (Contemporary Critical Practices and the Quran): نویسنده:

محمد آرکون. منبع: ج ۱، ص ۴۱۲ - ۴۳۰.

سرفصل‌ها: مقدمه، طبقه‌بندی فرایندهای تعقلی، مطالعه و بررسی قرآن در دوران معاصر، برتری‌ها و محدودیت‌های تفسیر تاریخی - انسان‌شناختی، تفسیر ادبی، نشانه‌شناسی و زبان‌شناسی، تفسیر دینی، پیشنهادها و نهایی، کتاب‌شناسی.

اهم مطالب: این مدخل، درباره شاخص روش‌شناسی معاصر در باب پژوهش‌های قرآنی به ویژه در غرب، و مسائل و مشکلات فلسفی و معرفت‌شناختی مربوط به پژوهش‌های قرآنی با تکیه بر نقطه محوری دین و سنت دینی بحث می‌کند.

شیوه تمسک به برهان و دلیل تراشی، دیگر اثر و اطمینان‌پیشین خود را نداشته و فقط فیلسوفان هستند که هنوز در سلسله مراتب مفروض رویکردهای هر تفسیر معرفتی، به اصل تأملات انتقادی [= تحلیل عقلی] معتقد و پایبند هستند. قرآن پژوه غربی که می‌خواهد تحت تأثیر ابزارها و فرضیه‌های پوزیتیویستی و روش‌شناسی لغوی و ادبی به پژوهش خود تداوم بخشد، با دو مشکل بسیار جدی مواجه است:

۱. به استثنای تعداد انگشت شماری از عالمان که نفوذ اندکی داشته‌اند، همه قرآن پژوهان به

بحث و مناقشه روش شناختی توجه کمی کرده‌اند. اگر نگوییم که در واقع، از مسائل مربوط به معرفت‌شناسی به طور کامل بیگانه بوده‌اند؛ بلکه صرفاً به بحث و گفت‌وگو از «واقعیات» بر اساس «معنا» و چارچوب معرفتی که خود برگزیده‌اند، حساس هستند.

۲. صرف‌نظر از متخصصانی که خودشان موحد هستند و برای دین مسیحی یا یهودی خود، فرهنگی مبتنی بر مسائل مورد ابتلا می‌سازند، تمام کسانی که خود را شکاک، ملحد یا صرفاً غیر مذهبی معرفی می‌کنند، از مسأله «معنا» در مباحث دینی طفره رفته، از وارد شدن به گفت‌وگو از محتوای ایمان به صورت ساختار تاریخی، اجتماعی و زبان شناختی خودداری می‌ورزند.

هدف پژوهشگر معاصر باید مورد سؤال قرار دادن [= مشکوک تلقی کردن] همه نظام‌های فکری باشد که مدعی معناسازی هستند اعم از آن که در حال حاضر موجود باشند یا نه. در خصوص کتاب قرآن و رشد گسترده تاریخی آن، باید گنجایش و صلاحیت دلیل را در جهت کشف اسرار و رموزی که خود مطرح ساخته است تحقیق و بررسی کرد. بدیهی است که تمسک به یک وجه خاص دینی که مفهومی یقینی تلقی شود، خطر قرائت‌های تنگ‌نظرانه را در بر خواهد داشت؛ در حالی که پژوهش دقیق و نقادانه نباید هیچ‌گونه امتیازی برای تعاریف و آرای جزمی دینی که توسط مؤمنان به نام تألیفات مقدّسشان [= تفسیر متون دینی] ارائه می‌کنند، قائل شود. (و)

این فضا سازی نو از فعالیت‌های پژوهشی در زمینه تحقیقات قرآنی آشکارا باید واجد دو شرط اساسی باشد:

أ. محققان اندیشه‌ور بیشتر تری از مسلمانان باید از طریق توسعه امکانات و اماکنی خاص برای مناظره و تبادل افکار و اندیشه‌ها در این طرح مشارکت کنند تا بتوانند به هدف نهایی و در واقع به دانش و معرفت جامعی دست یابند.

ب. لازم است به پژوهش‌های معاصر و پیشین مؤمنان مسلمان، مجال و زمینه کار داد. جای خالی یک دائرة المعارف اسلام افزون بر دائرة المعارف قرآن احساس می‌شود. دائرة المعارف قرآن پایه‌ای از اطلاعات را فراهم می‌آورد که بدون تردید، نظیر هر نوع پژوهش دیگر در معرض گفت‌وگوها، اضافات و اصلاحات خواهد بود. به منظور تحقق بخشیدن این طرح در قالب آن دیدگاه، پیشنهادهای ذیل، مفید خواهد بود:

ضرورت دارد واقعیت قرآنی را از طریق قرار دادن در یک موقعیت تطبیقی، توسعه بخشیم؛ یعنی آن را نه تنها با سه دین توحیدی، بلکه با انسان‌شناسی تاریخی و واقعه دینی و در محیطی جغرافیایی - فرهنگی، و جغرافیایی - تاریخی مقایسه کنیم؛ به گونه‌ای که برای مدتی بتواند ویژگی مدیترانه‌ای به خود گیرد. درباره مواردی که ارتباط مستقیم تری با قرآن دارد، بدیهی است آن چه این جا شیوه‌نامه

تفسیر خواننده می‌شود، باید هم از چارچوب سنتی تعصبی، و هم از اصول آیین‌نامه‌های علمی جدید رها باشد تا در برابر مجموعه عقاید و افکار دریافت شده، زمینه آزادی اندیشه فراهم آید.

باستان‌شناسی و قرآن (Archaeology and the Quran): نویسنده: رابرت شیک. منبع: ج ۱، ص

۱۴۸ - ۱۵۶.

اهم مطالب: در زمان حاضر، حوزه باستان‌شناسی در زمینه فهم قرآن و درک محیط فرهنگی و اجتماعی که اسلام در آن پدیدار شد، نقش و تأثیر اندکی دارد. حفاری‌های باستان‌شناختی در مکه و مدینه ممنوع است و صرفاً حفاری‌های محدود دیگری در شبه جزیره عربستان انجام گرفته است. آن دسته از اطلاعات باستان‌شناسی که در پرتو آیات قرآن به دست می‌آید، به دو دسته تقسیم می‌شوند: ۱. آثار باقیمانده از زمان‌های بسیار کهن پیش از اسلام که می‌تواند به امت‌ها و انبیای بنی اسرائیل و نیز عرب مربوط باشد؛ ۲. آثار باقیمانده از دوران حیات پیامبر اسلام.

قوم شعیب را می‌توان از کتاب مقدس شناسایی کرد که به جمعیت عربستان شمالی و خلیج ساحل عقبه مربوط می‌شود. همچنین قوم ثمود و صالح، از قبایل عربستان شمال شرقی به شمار می‌آیند. یک نسخه خطی دو زبانه (یونانی و نبطی) بنای معبدی را ثبت کرده است که به الاهی سال‌های ۱۶۶ تا ۱۶۹ میلادی در دوران امپراتوران روم (مارکوس، آری لیوس، و لوشیوس وروس) وابسته به قوم ثمود در شمال شرقی عربستان سعودی مربوط می‌شود. نخستین سفالی که یافت شده، مربوط به نبطیان است از محلی که تا سال ۱۰۶ میلادی، مرکز حکومت نبطیان بود. در آیات متعددی از قرآن، به اصحاب کهف و غار آن‌ها اشاره شده است. احتمالاً چنین جایگاهی باید در مقبره‌های حفاری شده صخره‌ای مربوط به روم - قسطنطنیه در «الرقیم»، درست در جنوب عمان در اردن باشد.

قابل ذکر است که در کتیبه‌های عربستان جنوبی مربوط به حدود قرن چهارم میلادی، عباراتی از مشرکان به جای مانده است که از تعابیر موحدان، مانند واژه «رحمن» استفاده کرده‌اند. برخی از اکتشافات باستان‌شناسی اخیر مربوط به منطقه خلیج فارس است که شامل کلیساهایی در عربستان و جاهای دیگر می‌شود. یک نمونه آن، کلیسای فیلکه در کویت است که تاریخ آن به اواخر قرن چهارم میلادی بر می‌گردد.

تاریخ و قرآن (History and the Quran): نویسنده: فرانز روستال. منبع: ج ۲، ص ۴۲۸ - ۴۴۱.

سرفصل‌ها: فضای تاریخ‌نگاری در خاور نزدیک مربوط به قرن ششم و هفتم، تاریخ گذشته، دیدگاه تاریخی قرآن و تأثیر آن بر تاریخ‌نگاری اسلامی.

اهم مطالب: برای کسانی که نظاره‌گر تاریخ بشر هستند، هیچ تمایزی بین سه گونه زمان (گذشته و

حال و آینده) ضرورت ندارد. این یگانگی آرمانی، همیشه از طریق تمایلات پلید شیطان منقطع می‌شد تا میان بشر رخنه ایجاد کند و در نتیجه، سبب پیدایی گروه‌های مخالف یک‌دیگر شود.

بیش‌تر وقایع معاصر پیامبر، متناسب با مقتضای حال ارائه شده؛ به گونه‌ای که دست‌کم برای ما نامعلوم است و ارزیابی مفاد و اهمیت تاریخی آن‌ها را دشوار می‌سازد.

پیشگویی درباره مسیر آینده تاریخ، از امور جدی و مورد علاقه پیامبر بود. در واقع، این امر محور حقیقی دعوت الاهی او را تشکیل می‌داد.

کوشش در ایجاد رابطه بین شیوه‌های تاریخ نگاری اسلامی و قرآن، امر بیهوده‌ای به نظر می‌رسیده و این موضوع به طور جدی مورد ملاحظه قرار نگرفته است.

روش‌های نگارش تاریخ اسلامی، الگوی خود را در قرآن نداشته است؛ البتّه اطلاعات قوی تاریخی که در قرآن مطرح شده، پیوسته در کار مورخان مسلمان احساس می‌شود.

حدیث و قرآن (Hadith and the Quran): نویسنده: جوین بل. منبع: ج ۲، ص ۳۷۶ - ۳۹۶.

سرفصل‌ها: مقدمه (ساختار هر حدیث، تدوین صحاح سته در قرن سوم، معرفی جوامع روایی شیعه)، آغاز وحی الاهی، جمع قرآن، احادیثی در باب سبعة قرائات (سبعة أحرف)، احادیثی درباره تلاوت، احادیثی درباره احکام و دستورهای مربوط به قرآن، احادیثی در باب تمجید از سوره‌ها یا آیات خاص، منابع حدیثی شیعه.

اهم مطالب: اسلام، همواره حکایت‌های مربوط به جمع قرآن به وسیله ابوبکر و عثمان را پذیرفته است. شوالی ترجیح می‌دهد که عمر را به جای ابوبکر، مسؤول اصلی نخستین جمع قرآن بدانند. سیوطی تعدادی از آیات گوناگون (از جمله آیه رجم) را بر می‌شمرد که طبق گفته چند تن از صحابه، به محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وحی شده بود؛ اما هرگز آن‌ها را در قرآن نیافتند. (ز)

پیامبر در برابر قرائت‌های گوناگون افراد فرموده است:

قرآن را به هر گونه که برایتان آسان‌تر است، تلاوت کنید.

مادامی که معنای اصلی آیه تغییر نکند، اختلاف در قرائت‌ها هیچ ایرادی ندارد.

مهم‌ترین حدیث میان اسباب نزول شاید حدیث افک باشد که مسأله تهمت زدن به عایشه را مطرح می‌کند. یکی از مهم‌ترین مسائل، اتهامی است که شیعیان به سنی‌ها می‌زنند که آن‌ها در واپسین جمع قرآن، کلمه «ائمة» را به «امة» تبدیل کرده‌اند (ک) (بحار، ج ۸۴، ص ۶۰).

شیعیان می‌گویند: سوره احزاب در اصل، حتی طولانی‌تر از سوره بقره بوده؛ ولی در معرض تغییرهایی قرار گرفته است. (ل)

شیعیان، قرائت‌های سبعة را به هفت طریق برای استنباط فتاوی فقهی تفسیر کرده‌اند. (م)

فمینیسم و قرآن (Feminism and the Quran): مارگات بدران. منبع: ج ۲، ص ۱۹۹-۲۰۳. سرفصل‌ها: تحلیلی درباره فمینیسم، تفکرات قرآنی و حقوق زنان، تفسیر قرآن و تساوی زن و مرد.

اهم مطالب: از دیدگاه قرآن که همه انسان‌ها در یک نظام عدالت اجتماعی با هم برابرند، زن و مرد، دارای حقوقی اساسی هستند.

موضوع «رابطه فمینیسم با اسلام» در اواخر قرن نوزدهم آغاز شده؛ هنگامی که تحصیلات جدید و توسعه حضور اجتماعی برخی از زنان مسلمان در قسمت‌های گوناگونی از مشرق زمین، تفکرات و برداشت‌هایی از قرآن را برای آنان مطرح ساخت که متناسب با تغییر و تحول زندگی روزمره آنان در مواجهه با نوگرایی بود. آنان معتقدند که قرآن، مدافع حقوق از دست رفته زنان است و در مبحث «فمینیسم» که در قالب استدلال دینی مطرح کرده‌اند، مدعی شده‌اند که بسیاری از محدودیت‌هایی که زنان دارند، به نام دین بر آن‌ها تحمیل شده است.

رشد فمینیسم اسلامی از اواخر قرن بیستم آغاز شد. زمانی که زنان مسلمان به گونه‌ای بی‌سابقه به سطوح عالی تحصیلات رسیدند، تفاسیر فمینیستی سه نوع رویکرد را برگزیده‌اند:

۱. تجدید نظر در مفاد آیاتی از قرآن به منظور تصحیح گزارش‌هایی نادرست نظیر آن چه درباره خلقت مطرح کرده‌اند.

۲. ذکر آیاتی که آشکارا برابری زن و مرد را بیان می‌کند.

۳. تمسک به آیاتی که متوجه تفاوت‌های زن و مرد است و به طور معمول به گونه‌ای تفسیر می‌شود که به حاکمیت و تفوق مردان بینجامد.

فاطمه [س] (Fatima): نویسنده: جین دمن مک اولیف. منبع: ج ۲، ص ۱۹۲ و ۱۹۳.

اهم مطالب: [حضرت] فاطمه به اسم در قرآن نامبرده نشده است؛ اما روایات تفسیری سلف، آیات خاصی را به او، همسر و فرزندانش مربوط دانسته‌اند.

مفسران آیات ۶۱ سوره آل عمران و ۳۳ احزاب را مهم‌ترین آیات مربوط به [حضرت] فاطمه می‌دانند که نخستین مورد آن، به اهل‌البیت اشاره دارد که به طور معمول آن را به [حضرت] محمد، فاطمه، شوهرش علی بن ابی‌طالب و پسرانش حسن و حسین [علیهم‌السلام] تفسیر کرده‌اند (تفسیر طبری، ج ۲۲، ص ۸-۶)؛ البته طبق روایت عکرمه، مقصود از اهل‌البیت، همسران پیامبر هستند (تفسیر زاد، ابن جوزی، ج ۶، ص ۳۸۱).

برقراری ارتباط و مقایسه بین فاطمه و مریم [علیها‌السلام] در منابع اسلامی جدید فرانسوی بررسی شده است. همچنین در مجموعه آثاری مربوط به مالایا (در افریقای جنوبی) و نیز در آثار انقلابی

ایدئولوگ ایرانی، از علی شریعتی (م. ۱۹۷۷ م) بحث شده است.

خاندان پیامبر (Family of the Prophet): نویسنده: علی آسانی. منبع: ج ۲، ص ۱۷۶ و ۱۷۷. اهم مطالب: قرآن در چندین آیه به خانواده گسترده [حضرت] محمد به صورت متمایز و برتر از مسلمانان دیگر اشاره کرده است.

قرآن، سهمی از انفال و سایر غنایمی را که از کافران گرفته می شود، به خاندان پیامبر اختصاص داده است؛ به سبب این که آن‌ها حق گرفتن صدقه و زکات را ندارند.

بر اساس آیه ای دیگر، خداوند برای زنان پیامبر شیوه خاصی از رفتار و پوشش را واجب کرده تا میان امت اسلامی جایگاه و موقعیت برتری داشته باشند.

آیه ۳۳ احزاب، آشکارا از خاندان پیامبر در جایگاه اهل البیت یاد می کند و این که خداوند آن‌ها را از هر گونه پلیدی مبرا ساخته است.

برخی از مفسران، مفاد «اهل البیت» را چنان توسعه داده اند که شامل قبیله پیامبر نیز می شود. عده ای دیگر آن را به طایفه بنی هاشم محدود دانسته اند.

شیعیان، «اهل البیت» را به دختر پیامبر، فاطمه (علیها السلام)، دامادش علی (علیه السلام) و حسن و حسین (علیهم السلام) و فرزندانشان مختص دانسته اند. آن‌ها در تأیید چنین تفسیری، روایاتی نقل می کنند که بر حسب آن‌ها، روزی پیامبر این چهار نفر را تحت کساگرد آورد و آن‌ها را اهل بیت خود خواند و بر ایشان دعا کرد.

سخن پایانی

از مطالعه و بررسی مدخل های گوناگون دائرة المعارف قرآن (لیدن) نتایج ذیل به دست می آید:

۱. حجم مدخل ها با یکدیگر متناسب نیست؛ برای مثال، پاره ای از آن‌ها فقط از یک یا دو صفحه تشکیل یافته اند؛ مانند مدخل های غریب القرآن، ورید، ابو لهب، ایلاء، ایام الله، ارم، اسکندر، بعل، بابل، بدر، خلیفه، روز و شب، نخل، دهر، دیه، غنیمت، عاد، و علی بن ابی طالب [از جلد اول] و مدخل های مصر، یسع، حسد، حزقیال، قحطی، قتال، جلد، عفر، هبه، حفصه، حنیف، هاروت و ماروت، عسل، حدیبیه، حنین، براءت [از جلد دوم]؛ در حالی که برخی از آن‌ها متشکل از پانزده الی بیست و پنج صفحه هستند؛ مانند مدخل های «جامعه و اجتماع در قرآن»، «تاریخ گذاری و قرآن»، «آثار انتقادی جدید و قرآن» [از جلد اول] و «تفسیر قرآن: در دوره باستان و قرون وسطا»، «تفسیر قرآن: در عصر اخیر و معاصر»، «شکل و ساختار قرآن»، «جغرافی»، «دستور زبان و قرآن»، «حدیث و قرآن» [از جلد دوم].

۲. به لحاظ موضوع، پاره‌ای از آن‌ها قرآنی تلقی نمی‌شوند؛ مانند مدخل‌های «کنترل جمعیت»، «اتم»، «ادبیات افریقا»، «آارات»، «امریکایی‌های افریقایی»، «دروزیان»، «سینما و قرآن» [از جلد اول] و مدخل‌های «بوم‌شناسی»، «هنر حکاکای»، «اتیوپی»، «اباضیه» و «عراق» [از جلد دوم]، البته طرح مدخل‌هایی از قبیل «دروزیان» و «فرقه بهایی» در این دائرة المعارف، به اعتبار برداشت و تفسیر خاص آن‌ها از قرآن بوده است.

۳. بعضی از نویسندگان مدخل‌ها، مطالب خود را منصفانه و بی‌طرفانه مطرح کرده‌اند و گرایش آن‌ها به اسلام و قرآن و حتی تشیع، مثبت و خوش‌بینانه است؛ مانند: خانم مک اولیف، آقای جوردن دارنل نیوبای، آقای ریچارد سی مارتین، آقای نصر حامد ابو زید، در مدخل «حضور قرآن در زندگی روزمره»، آقای رابرت شیک، در مدخل «باستان‌شناسی و قرآن»، و مارگات بدران، در مدخل «فمینیسم و قرآن» و ...؛ اما دسته دوم از نویسندگان، کسانی هستند که تقریباً نگرشی منفی و غیر منصفانه یا غیر عالمانه دارند؛ مانند کلود جیلیوت که در مدخل تفسیر قرآن، برای پاره‌ای از مدعیات خود، هیچ دلیلی اقامه نکرده است و جوین بل در مدخل «حدیث و قرآن» که اعتقاد گروه اندکی از شیعه را در زمینه اعتقاد به تحریف قرآن، به کل فرقه تشیع نسبت داده است و ...

۴. در مجموع، کار تهیه دائرة المعارف قرآن لیدن، در مقایسه با مقداری که تا کنون چاپ و منتشر شده، تقریباً مثبت و خوب ارزیابی می‌شود و قابل تقدیر است؛ اما ارزیابی نهایی آن بر نوع و کیفیت مطالبی توقف دارد که ضمن سه جلد دیگر در سال‌های آینده منتشر خواهد شد.

پیوست‌ها

أ. خاورشناسان برای اثبات مدعیات و سخنانشان، یا اصلاً دلیل و مدرکی جز تخیل نیرومند و گمان‌های بی‌پایه و اساس ندارند یا به منابع و مطالب خاورشناسانی دیگر همچون نولدکه، جفری و گلدزیهر استناد می‌کنند و یا در مواردی هم که به منابع اسلامی ارجاع می‌دهند، هرگز به منابع شیعی عنایتی ندارند؛ و این گونه روش تحقیق به ویژه در باب پژوهش‌های قرآنی، بسیار سست و غیر قابل دفاع است.

همه مفسران شیعی معتقدند که مجموع وحی قرآنی (ما أنزل الله) بدون کم و کاست مدون شده است. توضیح آن که برای قرآن، سه مرحله جمع‌آوری شکل گرفته است: یکی در عهد رسول الله ﷺ، دوم در زمان ابوبکر، و سوم در عصر خلافت عثمان. در مرحله اول، تمام سوره‌ها در الواح و اکتاف و صحف جمع‌آوری شده بودند و فقط به گردآوری در مصحفی واحد نیاز بود. این کار در زمان ابوبکر انجام گرفت و حافظان بزرگ و معتبر قرآن بر انجام دقیق این امر حساس نظارت کردند. در زمان

عثمان هم به سبب جلوگیری از قرائت‌های گوناگون، توحید مصاحف صورت پذیرفت و مورد تأیید امیر مؤمنان علی علیه السلام قرار گرفت. تمام منابع معتبر بر این باورند که هیچ‌گونه کاهش یا افزایشی صورت نگرفته و گرنه مستلزم وقوع تحریف قرآن می‌شد؛ در حالی که چنین احتمالی با صریح آیات تحفیظ «إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ» (حجر (۱۵): ۹)، و نفی باطل «وَإِنَّهُ لَكِتَابٌ عَزِيزٌ لَا يَأْتِيهِ الْبَاطِلُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَلَا مِنْ خَلْفِهِ تَنْزِيلٌ مِنْ حَكِيمٍ حَمِيدٍ» (فصلت (۴۱): ۴۱ و ۴۲) ناسازگار است (ر.ک: صیانه القرآن من التحریف، ص ۷۹ - ۸۱؛ تفسیر طبری، ج ۱۷، ص ۹۳؛ مجمع البیان، ج ۹، ص ۲۱۸؛ بحار الانوار، ج ۹۲، ص ۴۲).

ب. هیچ یک از معاجم و فرهنگ‌های لغت عرب همچون لسان العرب، العین، معجم تهذیب اللغة و التحقیق فی کلمات القرآن الکریم و ... ریشه‌ای غیر عربی برای واژه «تفسیر» قائل نشده‌اند.

ج. در قرآن کریم، برای رساندن مفهوم «تفسیر» به معنای مصطلح امروزی از واژه «تبیین» استفاده شده و آیاتی از قبیل «وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ» (نحل (۱۶): ۴۴)، و «وَمَا أَنْزَلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ إِلَّا لِتُبَيِّنَ لَهُمُ الَّذِي اخْتَلَفُوا فِيهِ» (نحل (۱۶): ۶۴)، بر لزوم تفسیر قرآن دلالت دارند.

د. دانشمندان و محققان بنام شیعی، به سبب توجه خاص و اعتماد به سیره معتبر قولی و عملی اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله به ندرت در دام راویان اهل کتاب و روایات آنان گرفتار آمده‌اند؛ به همین جهت، کم‌ترین روایات اسرائیلی را در تفاسیر خود آورده‌اند. امامان شیعه، همواره از حریم کتاب وحی الهی نگهبانی، و با مشاهده هر حرکت انحرافی از سوی تحریف‌گران، به ویژه یهود، با آن مقابله می‌کردند؛ زیرا آنان آگاه‌ترین افراد به قرآن کریم و سنت پیامبر صلی الله علیه و آله و آشنا تر از اهل کتاب به احکام و مقررات تورات و انجیل بودند (ر.ک: بحار الانوار، ج ۳۵، ص ۳۸۷ و میزان الحکمه، ج ۹، ص ۶۰۵، ح ۱۹۴۶۳).

عمده پژوهش‌ها و تحقیقات علمی خاورشناسان، با اغراض ویژه و همراه با پیش‌فرض‌های معین آنان و اغلب از طریق منابع اهل سنت صورت گرفته و سرانجام، به نام اسلام و مسلمانان شهرت یافته است.

ه. با توجه به این که عقاید معتزله به عقاید شیعه در مقایسه با اشاعره در مسائلی از قبیل عدل الهی و حسن و قبح عقلی، بسیار نزدیک‌تر است، ممکن است در مقاطعی از تاریخ، پاره‌ای از عالمان شیعی را معتزلی یاد کرده باشند؛ اما چنین اطلاقی حقیقی نبوده و با مسامحه صورت گرفته است؛ چرا که با مراجعه به منابع معتبر کلامی از قبیل کتاب بحوث فی الملل و النحل تألیف آیت‌الله جعفر سبحانی، آشکار می‌شود که معتزله، در بسیاری از مطالب کلامی با فرقه امامیه نیز اختلاف نظر اساسی دارند؛ پس معتزلی دانستن عالمان بزرگ شیعی همچون شیخ طوسی و شیخ طبرسی، خلاف

واقعیّت و انصاف است.

و. بی تردید، استنباط درست و مشروع از کتاب و سنت، بر رعایت اصول و قواعدی خاصّ متوقّف است و تفسیر قرآن کریم نیز از دیدگاه سنت قویم و روایات معتبر، ضوابط خاصّ خود را دارد؛ از این رو، عدم تقیّد به مبانی و ضوابط دینی به ویژه برای تفسیر قرآن، مستلزم تفسیر به رأی و خروج از مقاصد شارع مقدّس است؛ پس به رغم احتراز از پیش فرض‌های غیر متقن، بر مفسّر لازم است هنگام تفسیر هر آیه، از چارچوب مبانی و قواعد صحیح خارج نشود؛ وگرنه خطر ابتلا به پلورالیزم و تعدّد قرائت‌های بی پایه و بی مایه مطرح می‌شود؛ در نتیجه باید مراقب بود به انگیزه‌گریز از خطر قرائت‌های تنگ‌نظرانه، خود را به دامن قرائت‌هایی که بر موازین شرعی مبتنی نیستند، نیندازیم؛ وگرنه شبیه فرار از باران به زیر ناودان خواهد شد. به منظور پی بردن به قواعد تفسیر و منابع آن و علوم مورد نیاز مفسّران و شرایط مفسّر می‌توان به کتاب روش‌شناسی تفسیر قرآن، تألیف علی اکبر بابایی و غلامعلی عزیزی‌کیا و مجتبی روحانی راد، زیر نظر استاد محمود رجیبی مراجعه کرد.

ز. یگانه کسی که در صدر اسلام مدّعی شد آیه‌ای به نام آیه رجم وجود داشته و از قرآن افتاده، عمر بن الخطاب بود، و همواره می‌کوشید درج آن را به صحابه بپذیراند. هنگام جمع قرآن به وسیله زید بن ثابت، عمر خواست نظر خود را به جمع بقبولاند. آن‌ها از او دلیل مطالبه کردند وی نتوانست شاهد بیاورد؛ بدین سبب پذیرفته نشد و تا آخر عمرش هم بر این ادّعا تأکید داشت؛ ولی احدی از او نپذیرفت؛ از این رو، در واپسین روزهای حیات خود بالای منبر تأکید کرد:

ای مردم! مبادا روز قیامت بگوئید عمر به ما نگفت: خدایا! شاهد باش که گفته و عرضه کردم؛ ولی کسی آن را نپذیرفت (ر.ک: صحیح بخاری، ج ۸، ص ۲۰۱ - ۲۱۱: صحیح مسلم، ج ۴، ص ۱۶۷: مسند احمد، ج ۱، ص ۲۳).

احتمال دارد عمر، حدیثی را به همین مضمون از پیامبر ﷺ شنیده، سپس گمان کرده که آیه‌ای از قرآن بوده است.

ک. در هیچ یک از کتاب‌های روایی شیعی ادّعا نشده که واژه «امّة» در قرآن ابتدا به صورت «ائمة» نازل شده و بعد در اثر تحریف، به «امّة» تبدیل شده است؛ بلکه آن چه در روایات بحارالانوار مطرح شده، این است که معصوم علیه السلام در تفسیر آیه می‌فرماید: مقصود از امّت وسط، و شهداء علی الناس، ما ائمّه هستیم. به دو نمونه از روایات مذکور در این زمینه توجه فرمایید:

۶۲. برید العجلیّ عنه ۷ فی قوله تعالی: «و کذلک جعلناکم امّة وسطاً» نحن الامّة الوسط، ونحن شهداء الله علی خلقه و حجّته فی أرضه.

۶۲. و فی روایة حرمان عنه ۷: انا أنزل الله تعالى: «و كذلك جعلناكم أمة وسطاً» یعنی عدلاً «لتكونوا شهداء على الناس و يكون الرسول عليكم شهيداً» قال: ولا يكون شهداء على الناس إلا الأئمة و الرسل، فأما الأمة فإنه غير جائز أن يستشهدها الله تعالى على الناس و فيهم من لا تجوز شهادته في الدنيا على حزمة بقل. (بخارالانوار، ج ۲۳، ص ۳۵۱)

ل. منشأ قول به تحریف، روایاتی است که در کتاب‌های روایی اهل سنت و در پاره‌ای از موارد در کتاب‌های شیعه آمده که ظاهر آن‌ها حاکی از تحریف است. این روایات، یا سندهای ضعیف و فاقد اعتبار دارند یا دلالت آن‌ها نارسا و ناتمام است؛ در نتیجه باید تأویل صحیحی برایشان جست. میان اهل سنت، گروهی به نام حشویه و میان شیعه، گروهی مشابه به نام «اخباریان» بر اساس روایاتی سست معتقد به وقوع تحریف شده‌اند؛ اما اعتقاد باطل این گروه اقلیت از سوی بسیاری از عالمان فریقین مورد انتقاد و اعتراض شدید قرار گرفته است. عالمان بزرگ از اهل سنت، آشکارا شیعه امامیه را از تهمت قول به تحریف مبرا دانسته‌اند؛ مانند ابوالحسن علی بن اسماعیل اشعری (متوفای ۳۲۴ ق) در کتاب مقالات الإسلامیین، ج ۱، ص ۱۱۹ و ۱۲۰، و مانند علامه، شیخ رحمت‌الله هندی دهلوی در کتاب اظهار الحق، ج ۲، ص ۲۰۶ - ۲۰۹ و استاد عبدالله دراز در کتاب المدخل الی القرآن الکریم، ص ۳۹ و ۴۰ و استاد شیخ محمد مدنی در رساله الاسلام، شماره ۴۴، ص ۳۸۲ - ۳۸۲.

یادآوری این نکته لازم است که به صحابی جلیل، ابی بن کعب نسبت داده‌اند که گفته است: سورة احزاب که فعلاً دارای ۷۳ آیه است، معادل سورة بقره بود. این گفتار را به عایشه نیز نسبت داده‌اند که شاید غرض او تحریک مردم ضد عثمان بود (مسند احمد، ج ۵، ص ۱۳۲: الاقنان، ج ۲، ص ۷۲). م. روایتی با سند صحیح از امام باقر علیه السلام وارد شده که می‌فرماید: قال ان القرآن واحدٌ نزل من عند واحدٍ و لكن الاختلاف یجیء من قیل الزوارة (کافی، کتاب فضل القرآن، باب نوادر، ح ۱۲).

قرآن یکی است [و] از جانب یک خدا نازل شده؛ اما اختلاف قرائت‌ها از سوی راویان است. در روایت صحیح دیگر، وقتی سخن از نزول قرآن بر هفت حرف است، امام علیه السلام به شدت برخورد می‌کند و می‌فرماید:

این‌ها دروغ می‌گویند. قرآن بر یک حرف بیش‌تر نازل نشده است (همان، ح ۱۳). از طریق شیعه، روایت معتبری درباره نزول قرآن بر هفت حرف یا قرائت وجود ندارد. نظر فقیهان شیعه نیز همین‌گونه است. طبرسی می‌فرماید: آن چه نزد امامیه مطرح می‌شود، این است که قرآن بر یک حرف نازل شده است (مجمع البیان، ج ۱، ص ۱۲).

صاحب جواهر این نکته را ضرور مذهب عنوان کرده، می‌فرماید:

ضرورية معروفة مذهبنا بأن القرآن نزل بحرف واحد (جواهر الكلام، ج ٩، ص ٢٩٤).

صاحب مدارك می فرماید:

لا يخفى أنّ القراءة عندنا نزلت بحرف واحد (جواهر، ج ٩، ص ٢٩٤)؛

البته برخی از فقیهان، قرائت‌های دیگر را هم جایز شمرده‌اند؛ اما آن را خلاف اصل و قاعده می‌دانند؛ مانند دیدگاه آیت‌الله خوئی:

لجریان السیرة القطعیة من اصحاب الائمة علی ذلك ... (مسند العروة الوثقی، ج ٣، ص ٤٧٧).

با توجه به مطالب پیش‌گفته، بطلان این ادعا که «شیعیان، قرائت سبعة را به هفت طریق برای

استنباط فتاوی فقهی تفسیر کرده‌اند»، آشکار می‌شود.

تذکر: در نقد ارزیابی مدخل‌های گزارش شده، از منابع ذیل استفاده شده است.

منابع

١. ابن فارسی، احمد: معجم مقایس اللغة، ج ٤، بیروت، دار الجیل، اول، ١٤١١ ق.
٢. ابن منظور، ابوالفضل: لسان العرب، ج ١٠، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ١٤١٦ ق.
٣. بابائی، علی‌اکبر و ... زیر نظر استاد محمود رجبی: روش‌شناسی تفسیر قرآن، تهران، انتشارات سمت، اول، ١٣٧٩ ش.
٤. جوان آراسته، حسین: درسنامه علوم قرآنی، قم، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، اول، ١٣٧٧ ش.
٥. خوئی، سید ابوالقاسم: البیان فی تفسیر القرآن، قم، دارالتقلین، هشتم، ١٤١٦ ق.
٦. سیوطی، عبدالرحمن: الاتقان فی علوم القرآن، ج ١ و ٢، بیروت، دار ابن کثیر، سوم، ١٤١٧ ق.
٧. فراهیدی، خلیل: کتاب العین، ج ٧، دار الهجرة، اول، ١٤٠٥ ق.
٨. کلینی، محمد: اصول کافی، ج ٢، تهران، دار الکتب الاسلامیه، چهارم، ١٣٦٥ ش.
٩. مجلسی، محمدباقر: بحار الانوار، بیروت، مؤسسه الوفاء، دوم، ١٤٠٣ ق.
١٠. مصطفوی، حسن: التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، ج ٦، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، اول، ١٣٦٩ ش.
١١. معرفت، محمدهادی: صیانة القرآن من التحریف، قم، انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین، اول، ١٤١٣ ق.
١٢. معرفت، محمدهادی: علوم قرآنی، قم، مؤسسه انتشاراتی التمهید، اول، ١٣٧٨ ش.